

گزارش

نجس‌های هند

در مسیحیت پناهگاهی نمی‌یابند

بسیاری از هندی‌ها برای رها شدن از قید و بندهای «کاست» در نظام اجتماعی آیین هندو به مسیحیت روی آورده‌اند، اما ظاهراً حتی مسیحیت نیز در بعضی موارد از پس کنار زدن رسوبات نظام تبعیض‌آمیز کاستی برنمی‌آید. به گزارش بی‌بی‌سی، در شهر «ترپچی» واقع در قلب ایالت «تامیل نادو» در جنوب هند، دیواری که یک گورستان کاتولیک را به دو نیم می‌کند به وضوح نشان‌دهنده این است که پیش‌داوری مبتنی بر نظام کاستی هنوز چقدر قدرتمند است. آنهایی که از پایین‌ترین گروه نظام کاستی هندو که به طبقه «تایاک» یا «تجس» مشهور است به مسیحیت گرویده‌اند، در یک سوی این دیوار مدفون شده‌اند، در حالی که دیگرانی که از طبقه بالاتر به این آیین گرویده‌اند در سوی دیگر دیوار آرمیده‌اند. این دیوار حائل ۶۰ سال پیش بنا شده است. راجندریان مدیرکل گروه «پریار دراویدار کاجاگام» که گروهی فعال در امور سیاسی- اجتماعی است، می‌گوید: «احداث چنین دیواری تخطی از قانون اساسی هند و کاری غیرانسانی و تحقیرآمیز است.» این گروه درصدد به راه انداختن یک راهپیمایی برای برچیدن این دیوار است. کلیسای کاتولیک هند می‌گوید نظام تبعیض‌آمیز کاستی مورد تایید او نیست اما در عین حال از عهده حل این مشکل نیز برنمی‌آید. پدر وینسنت چینادواری عضو هیات‌مدیره مجمع اقلیت‌های ایالت تامیل نادو می‌گوید: «زمن گورستان متعلق به بخش خصوصی است و در این زمینه کاری از دست ما برنمی‌آید. حتی اسقف محلی نیز برای اجرای مراسم تدفین به این گورستان نمی‌رود.» او همچنین می‌گوید یک گورستان تازه در شهر وجود دارد که متوفیان بدون هرگونه تبعیضی در آن دفن می‌شوند. با این وجود هنوز هم تدفین‌هایی توسط کشیش‌های کاتولیک در این گورستان بحث‌برانگیز، انجام می‌گیرد. در طول قرون متمادی هندوهای متعلق به کاست‌های مختلف در جاهای متفاوتی دفن یا سوزانده شده‌اند.

طبقه‌بندی اجتماعی دست و پاگیر

رسم تدفین با توجه به طبقه اجتماعی در شهرهای بزرگ در حال محو شدن است، ولی در بعضی از نقاط روستایی ایالت تامیل نادو، گورستان‌های کاستی هنوز فعال هستند. هندوهای طبقه «تجس‌ها» که به مسیحیت گرویده‌اند، انتظار دارند کلیسا در برچیدن این دیوار قدم‌های موثرتری بردارد. پدر لوردوناتان یسوماریان که یک روحانی یسوعی (فرقه‌ای مشتق از کلیسای کاتولیک)، یک حقوق‌دان فعال و خود از جمله این مسیحیان است، می‌گوید کلیسا قدرت قانونی لازم را برای تخریب دیوار دارد. او می‌گوید حتی اگر زمین این گورستان متعلق به افراد خاصی باشد، برابر رای صادرشده توسط دادگاه عالی، کلیسا برای از میان برداشتن این دیوار مسوولیت دارد. او می‌افزاید: «قصور در از میان برداشتن این دیوار موجب استسکام احساسات کاستی خواهد شد.» چند سال پیش دو کشیش کاتولیک قسمت کوچکی از این دیوار را تخریب کردند اما اعمال نفوذ صاحبان این زمین که از مسیحیان متعلق به طبقه بالاتر بودند، موجب شد قسمت تخریب‌شده مجدداً بنا شود. در همین حین کلیسا توسط متنفذان به این متهم می‌شود که به‌رغم مبارزه‌اش برای قائل شدن سهمیه‌ای جداگانه از مشاغل دولتی برای مسیحیان تایاک، به آنها برای حضور در ساختار قدرت خود

اغلب، مسیحیان تغییر مذهب داده از هندویسم حتی در نقاطی که حائز اکثریت هستند، باید تلاش زیادی برای دستیابی به یک سمت ارشد انجام دهند. اگرچه اسقف اعظم منطقه تامیل نادو خود یکی از این گونه مسیحیان است، با این وجود هنوز نتوانسته بهبود چندانی را در نظام کلیسا برای سایر اعضای هم‌مسلك خود به وجود آورد.

همه جا ناپاک

در سال‌های اخیر تعداد مشخصی از ظرفیت مشاغل و کرسی‌های مدارس و کالج‌های کاتولیک برای اعضای جامعه مسیحیان که از هندویسم به مسیحیت گرویده‌اند، در نظر گرفته شده است. جمعیت کاتولیک‌های هند ۱۷ میلیون نفر برآورد می‌شود اما این امر با این استدلال که «در مسیحیت کاست وجود ندارد»، در دادگاه به چالش کشیده شده است. پدر یسوماران این گونه ادامه می‌دهد: «قانون اساسی هند «تجس‌ها» را منسوخ اعلام کرده است اما این امر همه جا به چشم می‌خورد. این نکته در مورد کلیسای کاتولیک نیز صادق است. کلیسا می‌گوید هیچ نوع جهت‌گیری کاستی در نظام وجود ندارد اما تبعیض نشان‌گرفته از نظام است بر کلیسای حکمفرماست» او می‌افزاید: «زواج‌های «بین کاستی» در میان ایمان‌آوردندگان به مسیحیت به ندرت دیده می‌شود. حتی تا چندی پیش مجلاتی که توسط کلیسا اداره می‌شوند در آگهی‌های ازدواج و همسرپایی خود به طبقه اجتماعی و کاست آگهی‌دهندگان اشاره می‌کردند. تنها پس از اعتراض ما بود که آنها این کار را متوقف کردند.» اخیراً پس از آنکه این دسته از مسیحیان تقاضای مشارکت در اداره کلیساها کردند، چند کلیسا در تامیل نادو با تعطیلی مواجه شدند. پدر چینادواری می‌گوید: «ما می‌گوییم در مسیحیت کاست نیست و طبقه‌بندی اجتماعی وجود ندارد اما مسیحیت در هند نتوانسته از دست نظام کاستی خلاصی یابد. آنهایی که به مسیحیت گرویده‌اند، پیش‌داری تبعیض‌آمیز کاستی خود را با خود آورده‌اند. ما برای رهایی از دست این پیش‌داری‌ها نهایت تلاش‌مان را می‌کنیم.»

«Ahi serva Italia, di dolore ostello, nave sanza nocchiero in gran tempesta, non donna di province, ma bordello!» این نقل قولی از دانته است و به معنای «ای ایتالیا! تو کشتی بی‌رئیس، در شهر «ترپچی» واقع در قلب ایالت «تامیل نادو» در جنوب هند، دیواری که یک گورستان کاتولیک را به دو نیم می‌کند به وضوح نشان‌دهنده این است که پیش‌داوری مبتنی بر نظام کاستی هنوز چقدر قدرتمند است. آنهایی که از پایین‌ترین گروه نظام کاستی هندو که به طبقه «تایاک» یا «تجس» مشهور است به مسیحیت گرویده‌اند، در یک سوی این دیوار مدفون شده‌اند، در حالی که دیگرانی که از طبقه بالاتر به این آیین گرویده‌اند در سوی دیگر دیوار راجندریان مدیرکل گروه «پریار دراویدار کاجاگام» که گروهی فعال در امور سیاسی- اجتماعی است، می‌گوید: «احداث چنین دیواری تخطی از قانون اساسی هند و کاری غیرانسانی و تحقیرآمیز است.» این گروه درصدد به راه انداختن یک راهپیمایی برای برچیدن این دیوار است. کلیسای کاتولیک هند می‌گوید نظام تبعیض‌آمیز کاستی مورد تایید او نیست اما در عین حال از عهده حل این مشکل نیز برنمی‌آید. پدر وینسنت چینادواری عضو هیات‌مدیره مجمع اقلیت‌های ایالت تامیل نادو می‌گوید: «زمن گورستان متعلق به بخش خصوصی است و در این زمینه کاری از دست ما برنمی‌آید. حتی اسقف محلی نیز برای اجرای مراسم تدفین به این گورستان نمی‌رود.» او همچنین می‌گوید یک گورستان تازه در شهر وجود دارد که متوفیان بدون هرگونه تبعیضی در آن دفن می‌شوند. با این وجود هنوز هم تدفین‌هایی توسط کشیش‌های کاتولیک در این گورستان بحث‌برانگیز، انجام می‌گیرد. در طول قرون متمادی هندوهای متعلق به کاست‌های مختلف در جاهای متفاوتی دفن یا سوزانده شده‌اند.

این نقل قولی از دانته است و به معنای «ای ایتالیا! تو کشتی بی‌رئیس، در شهر «ترپچی» واقع در قلب ایالت «تامیل نادو» در جنوب هند، دیواری که یک گورستان کاتولیک را به دو نیم می‌کند به وضوح نشان‌دهنده این است که پیش‌داوری مبتنی بر نظام کاستی هنوز چقدر قدرتمند است. آنهایی که از پایین‌ترین گروه نظام کاستی هندو که به طبقه «تایاک» یا «تجس» مشهور است به مسیحیت گرویده‌اند، در یک سوی این دیوار مدفون شده‌اند، در حالی که دیگرانی که از طبقه بالاتر به این آیین گرویده‌اند در سوی دیگر دیوار راجندریان مدیرکل گروه «پریار دراویدار کاجاگام» که گروهی فعال در امور سیاسی- اجتماعی است، می‌گوید: «احداث چنین دیواری تخطی از قانون اساسی هند و کاری غیرانسانی و تحقیرآمیز است.» این گروه درصدد به راه انداختن یک راهپیمایی برای برچیدن این دیوار است. کلیسای کاتولیک هند می‌گوید نظام تبعیض‌آمیز کاستی مورد تایید او نیست اما در عین حال از عهده حل این مشکل نیز برنمی‌آید. پدر وینسنت چینادواری عضو هیات‌مدیره مجمع اقلیت‌های ایالت تامیل نادو می‌گوید: «زمن گورستان متعلق به بخش خصوصی است و در این زمینه کاری از دست ما برنمی‌آید. حتی اسقف محلی نیز برای اجرای مراسم تدفین به این گورستان نمی‌رود.» او همچنین می‌گوید یک گورستان تازه در شهر وجود دارد که متوفیان بدون هرگونه تبعیضی در آن دفن می‌شوند. با این وجود هنوز هم تدفین‌هایی توسط کشیش‌های کاتولیک در این گورستان بحث‌برانگیز، انجام می‌گیرد. در طول قرون متمادی هندوهای متعلق به کاست‌های مختلف در جاهای متفاوتی دفن یا سوزانده شده‌اند.

از اقتصاد مبتنی بر بازار و قوانین مربوط به آن؛ دفاع از جامعه در برابر اقتصاد انجلم‌گسیخته و فشارهای سیاسی و نخست‌وزیر و میلیاردر بزرگ ایتالیایی سیلیو برلوسکونی که برای به دست آوردن منافع بیشتر تمامی قوانین را به تمسخر می‌گیرد. امروز ایتالیا با توفان‌های بی‌دربی داخلی ویران شده است، و مشهودترین نشانه آن اقتصاد بین‌المللی ایتالیاست، و بعد از آن، اقتصادگاه نخست‌وزیر است که تبدیل به یک مرکز هرزگی است- و نه فقط به شکل استعاره. بالاتر از همه، کشتی دولت تقریباً بدون سکان است بنابراین من تنها کسی نیستم که این روزها در مورد ایتالیا این نقل قول دانته را به کار می‌گیرم. از پایان ماه جولای تاکنون فقدان رهبر در ایتالیا مشهود است. اما در دو هفته پایان جولای این فقدان تشنجی شدید ایجاد کرد. تمام ماه آگوست، برلوسکونی انتخابات را به دلیل آمدن فرانکو فینی تهدید می‌کرد؛ متحد و هم‌حزبی سابقش که اکنون سرکش شده و از ماه جولای راه خود را از نخست‌وزیر جدا کرده و حزب مستقل خود را تشکیل داده و پیروانش را به راه دیگری می‌برد. اما پس از تمامی این اتفاقات یک نظرسنجی نشان داد تنها برنده واقعی در انتخابات آینده امبرتو بوسسی و احزاب شمالی‌اند که طرفدار خودمختاری ایتالیای شمالی هستند- و اوضاع وخیم‌تر شد هنگامی که برلوسکونی فهمید شانس خود را در داشتن پارتی پارلمان در دست داده است- و از آن پس او شروع به عقب‌نشینی کرد. او در روزهای اخیر در سخنرانی‌های عمومی خود یک بار دیگر به اصلاحات بزرگی که سه سال پیش قرار بود اجرا کند، اشاره کرده است که اولین قدم آن تصویب و حمایت از چند اصل در برنامه اقتصادی است؛ جنوب، فالدریس مالیاتی، و عدالت و امنیت. چنجالی‌ترین موضوع در این میان بحث عدالت است که برای برلوسکونی به معنای از دست دادن مصونیت‌اش از پیگرد قانونی است. (او می‌گوید برای حکومت کردن به این مصونیت نیاز دارد)

تفویض قدرت یکی از بنیادی‌ترین خواسته‌های اتحادیه احزاب شمالی است. اما دیگران در مرکز حزب راست نگران این هستند که بخش‌های فقیر کشور حمایت‌های خود را از دست بدهند برلوسکونی همواره به خود می‌بالد که شخصاً سیاست خارجی ایتالیا را پیش ببرد و معتقد است از این نظر مردم حسادت اروپا واقع شده اما واقعیت در این مورد چیز

معضلی به نام سیلیوو بر لوسکونی

نخست‌وزیری برای نرول ایتالیا

جیمز والس‌تون

ترجمه: نزهت امیرآبادیان



«فقط زیبارویان به ایتالیا بیایند.» این جمله‌ای از سیلیوو برلوسکونی نخست‌وزیر ایتالیاست، او هنگامی که از اجرای قانون منع مهاجرت به ایتالیا دفاع می‌کرد یک استثنایی کوچک را نیز اعلام کرد و گفت: مهاجرت به ایتالیا ممنوع است اما زیبارویان از این قانون مستثنی هستند. او در پاسخ به خبرنگارانی که از او درباره «برخی» سوال کرده بودند، با اشاره به خبرنگاری زن گفت: خب معلومه دیگه، کسانی مثل شما. بسیاری او را ترازدی ایتالیا می‌دانند. امبرتو اکو نویسنده و فیلسوف ایتالیایی چندی پیش هم‌میهنان خود را به دلیل نداشتن درک و دانش سیاسی مورد انتقاد قرار داد. او نه فقط «برلوسکونی» را مشکل کشور ایتالیا می‌داند، بلکه مردم این کشور را نیز از مشکلات ایتالیا دانست. ژوزه ساراماگو نویسنده معروف برتغالی و برنده جایزه نوبل ادبی نیز می‌گوید ایتالیا از جانب یک «ویروس» تهدید می‌شود.

دیگری است؛ سیاست خارجی او نتیجه معکوس سیاست‌های داخلی است. هفته گذشته او از حضورش در کرملین- جلسه سازمان سیاست‌های جهانی در روسیه- برای ضربه زدن به فینی استفاده کرد (بدون نام بردن از او) و گفت در اینجا کسانی هستند که می‌خواهند کسب و کارهای کوچک سیاسی ایجاد کنند. سپس او چندمین بار شروع به شکایت کرد در قضات کمونیست مانع کارهای اداره حکومت او و مردمش هستند و در پایان مراتب خوشامدگویی گرم خود را نسبت به معمر قذافی ابراز کرد و بیابیه جالب توجه خود را به میزبانانش نخست‌وزیر ولادیمیر پوتین و رئیس‌جمهور دیمیتری مدووف با عنوان «هدیه خداوند به دموکراسی» تقدیم کرد (افسوس آنکه متخصصان اقتصاد هنگام انتقادات تند خود از برلوسکونی کاریکاتور پوتین را که عاشق دموکراسی و مطبوعات است، نشان ندادند). در همین حال، غم و غصه‌های داخلی برلوسکونی روز به روز بیشتر می‌شود. سردبیر یکی از روزنامه‌های متعلق به برلوسکونی «وینتوریو فلتزی» از روزنامه «ایل جازنال»، پیش‌پیش برای بالا بردن اقبال عمومی به کار گرفتند. یکی از آنها که در سال ۲۰۰۷ نیز به کار گرفته شد همین نمایش سرخوشی و اعتماد به نفس اوست و دیگری پرداخت پول و تلاش برای پایین آوردن محبوبیت احزاب و افراد مقابل است، همانند کاری که برلوسکونی در سال ۲۰۰۸ با رومانو

روسیه و معضل قفقاز شمالی



سرزمینی خود ندارند. چنانچه «سرگی ایوانوف» معاون اول نخست‌وزیر این کشور در کنفرانس امنیتی مونیخ در سال ۲۰۰۹ ضمن اشاره به لزوم مبارزه جهانی در مورد تروریسم اعلام کرد: «برخی از کشورها تحت پوشش مبارزه با تروریسم به سیاست‌های ژئوپولیتیکی و اقتصادی خود ادامه می‌دهند.» هر چند برای اولین بار در دوران زمامداری «ژوزف استالین» رهبر قدرتمند شوروی سابق حرفه‌های امنیتی درون سرزمینی در حوزه قفقاز زیر ذربین قرار گرفت و تا حدود زیادی مهار شد ولی در واقعیت همین بین‌المللی و افول قدرت ساختاری مسکو در مناطق پیرامونی این پدیده تقریباً به یک نرم معمول در قفقاز شمالی تبدیل شده است. از آنجا که الیگارشی حاکم بر روسیه تا حدود زیادی به کنسرن‌های بزرگ انرژی وابستگی و تملک شخصی یافته است و حوزه قفقاز نیز مرکز ثقل این منابع تلقی می‌شود، تداخل منافع همین الیگارشی حاکم بر منافع ملی روسیه چرخه و سیکل معکوس نقض دموکراسی و

پرودی کرد.) گرچه به حاشیه راندن پرودی دلیلی شد که سیاست‌های ایتالیا از آن پس تغییر کند. شش‌رم‌آور اینکه برلوسکونی در این شرایط آشفته موجود در ایتالیا تنها به فکر حفظ موقعیت خود است. نزول ایتالیا تقریباً از ۲۰ سال پیش آغاز شده است هنگامی که روشن شد اقتصاد ایتالیا توان روبه‌رویی با مشکلات اقتصاد جهانی را ندارد. هر سال اشکال مختلف تولید نسبت به کشورهای مشابه اروپایی کاهش پیدا کرد و البته چین و اقتصادهای رو به رشد پدیدار شدند. هفته گذشته سازمان همکاری و توسعه جهانی بر اساس محاسبات خود اعلام کرد تولید ناخالص ملی ایتالیا ۰/۳ درصد در سه ماهه سوم سال نزول کرده است (ایتالیا تنها عضو گروه جی۷ است که رشد منفی داشته است). و فقر در سه ماهه چهارم ۰/۱ درصد رشد خواهد داشت. مجمع جهانی اقتصاد اعلام کرده هیچ بهبود واقعی در ایتالیا آغاز نشده و حتی سعی به آغاز آن نیز نشده است و ایتالیا در رقابت جهانی در رتبه ۴۸ پس از لیتوانی و ولتور از مونته‌نگرو قرار خواهد گرفت. بی‌کاری به تازگی رشد جدیدی داشته و در ماه مه به ۲۹/۲ درصد رسیده که این آمار ۴/۷ درصد از ماه مه سال گذشته بیشتر است. وزیر اقتصاد برلوسکونی چهار ماه پیش استفاده داد و هنوز کسی جاگیرین او نشده است. سال جدید تحصیلی آغاز می‌شود و معلمان به دلیل کمبود بودجه در تنگنا قرار دارند درست همانند پلیس. نمونه‌های اینچنینی بسیار زیاد است. ایتالیا عرشه یک کشتی بدون سکاندار است. بنابراین آیا ایتالیا یک بار دیگر کشوری مغلوب است آنچنان که دانته در کتاب پیش نوشت؟ در کتاب جدیدی که توسط پژوهشگران دانشگاه پرینستون منتشر شده، در این مورد بحث می‌شود که در ایتالیا تعداد مراکز فساد زیاد است. در کتاب «La libertà dei servi» مورزیو ویرولی نوشته است «ایتالیا در یک آزمون تغییرات سیاسی بدون خشونت موفق شده است جمهوری دموکراتیک ایتالیا را تبدیل به بارگاه یک مالک فئودال مرکزی کند که توسط فرومایگان احاطه شده است.» در اپرای ریگولتی جوزپه وردی که در سال ۱۸۵۱ بر اساس داستانی او وینکتور هوگو نوشته شده و ملمعه‌ای از عناصر اجتماعی و فرهنگی و اجزای کمدی و تراژیک است، بازیگر اصلی اپرا با صدای فوق‌العاده خود به فرومایگان دشنام می‌دهد. اما امروز چه کسی مراکز فساد را کنترل می‌کند؟ شاید بتوان گفت بهترین و نزدیک‌ترین دوست برلوسکونی که او را در سال ۲۰۰۴ به خوبی «روشنفکر مستبد» توصیف کرد، چائوشسکو باشد. اما قطعاً برای یک سیاستمدار دموکرات غیرعادی است که شش سال بعد و با تغییر سیستم‌های انتخاباتی تمامی نمایندگان پارلمان زیر بار منت او باشند و حالا با بزرگ شدن حزب او کاملاً زیر کنترل او باشند و شاید حتی بیشتر از این. هفته گذشته زنی که معاون راست مرکزی گروه‌های سیاسی به دو کمک خواهند با مردان متنفذی رابطه داشته است. او بی‌درنگ پارلمان را ترک کرد. در هر حال روینکیا لاریو همسر دوم برلوسکونی و فینی نکات مهمی را برای بازگو کردن در مورد برلوسکونی برای آوریل سال آینده آماده کرده‌اند. نکته اصلی، به هر حال این مساله نیست که بعضی زنان به خاطر روابط غیراخلاقی به پارلمان راه پیدا می‌کنند بلکه این است که مردان و زنانی با عنوان روزنامه‌نگار و متخصص وجود دارند که ذهن، اخلاق و اصول‌شان را که بسیار مهم‌تر از بدن‌شان است، تسلیم کرده‌اند. اینجا دالیل خوبی برای نقل قول کردن از دانته وجود دارد.

ژوئن ۲۳/۲ درصد در انتخابات سال ۲۰۰۸، ۳۷/۴ درصد بود. بر اساس نظرسنجی‌های اوایل سپتامبر ما متوجه خواهیم شد این پیشنهاد که برلوسکونی سه سال دیگر نخست‌وزیر باقی بماند، شانس چندانی در اواخر این ماه در مجلس نمایندگان نخواهد داشت و قانونگذاران پارلمان ایتالیا در مورد پند نکتی اصلاحی برلوسکونی دچار شک و تردید هستند. در این اثنا سیاستمدار دموکرات غیرعادی است که شش سال بعد و با تغییر سیستم‌های انتخاباتی تمامی نمایندگان پارلمان زیر بار منت او باشند و حالا با بزرگ شدن حزب او کاملاً زیر کنترل او باشند و شاید حتی بیشتر از این. هفته گذشته زنی که معاون راست مرکزی گروه‌های سیاسی به دو کمک خواهند با مردان متنفذی رابطه داشته است. او بی‌درنگ پارلمان را ترک کرد. در هر حال روینکیا لاریو همسر دوم برلوسکونی و فینی نکات مهمی را برای بازگو کردن در مورد برلوسکونی برای آوریل سال آینده آماده کرده‌اند. نکته اصلی، به هر حال این مساله نیست که بعضی زنان به خاطر روابط غیراخلاقی به پارلمان راه پیدا می‌کنند بلکه این است که مردان و زنانی با عنوان روزنامه‌نگار و متخصص وجود دارند که ذهن، اخلاق و اصول‌شان را که بسیار مهم‌تر از بدن‌شان است، تسلیم کرده‌اند. اینجا دالیل خوبی برای نقل قول کردن از دانته وجود دارد.

خشونت را تشدید کرده‌است. نفوذ سلفی‌گری و تشدید تبلیغات وهابی در میان مسلمانان قفقاز شمالی در کنتر نقش تجارت مواد مخدر از سوی گروه‌های مافیایی چچنی که تا تولیدکنندگان خشخش و تروریست‌های طالبانی- القاعدای در افغانستان در ارتباط مستقیم هستند، معضل تروریسم در قفقاز شمالی را ابعاد بین‌المللی بخشیده است. از طرف دیگر دولت مرکزی مسکو که تحت هدایت باند «پوتین- مدووف» است و قرابت چندانی با حقوق بشر و نگاه عادلانه به موضوع قومیت‌ها ندارد بر پیچیدگی این مشکل افزوده است. چرخه خشونت در قفقاز شمالی ابعادی به مراتب فراتر از تروریسم داشته و متاثر از یک نگاه «هتن- حاشیه» در ساخت سیاسی روسیه است که در پیوند با دیگر عوامل مختل‌کننده ثبات، این حوزه ژئوپولیتیک شدتخوش معادله‌های غیرقابل حل کرده است. رهبران مسکو تا به امروز به غیر از جابه‌جایی دولت‌های محلی و قدرتمندان بافت سنتی قومیتی در این منطقه، هیچ برنامه کلان و مدونی برای توسعه متوازن در این حوزه ملتپار ارائه نکرده‌اند. نمونه بارز این سیاست شکست‌خورده و غیر اصولی در جمهوری خودمختار چچن به خوبی قابل رویت است که در آقای «قدیربی» حاکم فعلی همان باغی دیروز است که در صف مقابل قرار داشته و همان‌یک با توجه به معامله با کرملین رنگ عوض کرده است. قفقاز شمالی بزرگ‌ترین پاشنه‌اشیل امنیتی روسیه در بافت سرزمینی این کشور است که دامنه عملیات گروه‌های تروریست آن همان‌یک به خوبی قابل رویت است. رسیده است که خطر قفقاز شمالی برای روسیه حتی از خطرات احتمالی در قفقاز جنوبی نیز بیشتر است، چراکه در جنوب، مسکو با دولت‌های مسوول و مرزهای شناخته‌شده سر و کار دارد و در شمال، تروریست‌ها نه مسوولیت می‌پذیرند و نه اینکه مرزی برای خود تعریف می‌کنند. در جنوب با توجه به جدایی سرزمینی و سیاسی، کنترل مرزها و جمعیت‌ها در حوزه سخت‌افزاری مفهوم می‌یابد که نقطه قوت روس‌هاست و در شمال به جهت حوزه سرزمینی واحد، کنترل جغرافیایی و جمعیتی موقعیتی نرم‌افزاری تلقی می‌شود که مسکو هم‌اکنون فاقد درک درست و احاطه مطلوب در این عرصه است.

گزارش

آیا جمال مبارک بهترین گزینه برای دموکراسی در مصر است

«تیروهای اپوزیسیون مصر و مدافعان غربی ارتقای دموکراسی، همگی در یک مورد با یکدیگر موافق هستند: نباید به جمال مبارک اجازه داده شود به عنوان رئیس‌جمهور مصر جانشین پدرش حسنی مبارک شود.»

به گزارش ایسنا مجله فارن پالیسی طی تحلیلی در خصوص انتخابات ریاست‌جمهوری آتی در مصر آورده است: «در اعتراضات خیابانی گروه‌های اپوزیسیون در مصر معترضان خواستار عدم انتقال قدرت از پدر به پسر شدند. معترضان همچنین خواهان آن بودند که مصر توسط حسنی مبارک تبدیل به یک جمهوری سلطنتی نشود. در مقایسه با برخی ایده‌آل‌های دموکراتیک، به ارث بردن جایگاه پدر توسط جمال مبارک، امری مشمئزکننده است و دموکراسی واقعی گزینه‌ای روی میز در مصر نیست. واقعیت این است که به جای یک رویای دموکراتیک، ما با گزینه‌هایی نامطلوب مواجه هستیم؛ یک انتقال قدرت موروثی، ریاست‌جمهوری حسنی مبارک برای دوره ششم، انتقال قدرت به یک «کله‌گنده» خشن مثل عمر سلیمان رئیس سازمان اطلاعات با یک کودتای نظامی. اگر به مقایسه این گزینه‌ها با یکدیگر بپردازیم، می‌بینیم شاید جمال مبارک بهترین گزینه با توجه به چشم‌انداز دموکراتیک بلندمدت در مصر باشد. محمد البرادعی مدیرکل سابق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که خود یک مصری است، چندی پیش خواستار اصلاحات سیاسی در مصر شد، اما تا به حال به نتیجه‌ای دست نیافته است. البرادعی هم‌اکنون به عنوان یکی از رهبران اپوزیسیون مصر و به کمک اخوان‌المسلمین در حال جمع‌آوری یک میلیون امضا برای تغییر روند مصر است. اما تصور اینکه یک کشور فقط با امضا دموکراتیک شود، بسیار دشوار است. البرادعی همچنین از احزاب سیاسی مصر درخواست کرده انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ را تحریم کند، اما معلوم نیست وی با این روش به دنبال چه دستاوردی است. از طرفی، حزب ملی حاکم متعلق به حسنی مبارک نیز ممکن است از این اقدام استقبال کند، زیرا خواهان برگزاری انتخاباتی آرام و به دور از دردرس اپوزیسیون است.

اگر یک انقلاب دموکراتیک نامحتمل باشد، یک کودتای نظامی در مصر نیز بعید به نظر می‌رسد. نیروهای مسلح مصر به مبارک و پسرش وفادارند و آنقدر محافظه‌کارند که تمایلی برای سرنگونی نظام سیاسی موجود ندارند. همچنین به نظر نمی‌رسد عمر سلیمان نیز قدرت را در دست بگیرد، زیرا اگر حسنی مبارک تصمیم داشت وی را جانشین خود کند، مدت‌ها قبل، وی را معاون رئیس‌جمهور می‌کرد. بنابراین واقعاً دو گزینه باقی می‌ماند: جمال یا پدرش حسنی مبارک ۸۲ساله که بیمار نیز هست، می‌تواند با شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری، برای بار ششم پیروز شود، اما وضعیت جسمانی‌اش اجازه این کار را به او نمی‌دهد. اگر جمال مبارک در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۱ پیروز شود، اولین رهبر مصر در تاریخ مدرن این کشور خواهد بود که هرگز یونیفورم نظامی بر تن نکرده است. البته این موضوع که جمال مبارک یک پیش‌نظامی است، تفاوت چندانی میان وی و سایر رهبران نظامی غیرنظامی ایجاد نمی‌کند. اما برای رایی اعمال زور علیه مخالفان محدود می‌کند. علاوه بر این اگر جمال مبارک در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۱ پیروز شود اولین رهبری خواهد بود که از طریق انتخابات «قابتی» قدرت را در دست گرفته‌است. البته هیچ‌کس در غیر آزاد بودن و غیرعادلانه بودن این انتخابات شک ندارد اما به هر حال در آن تعدادی کاندیدا در مقابل رئیس‌جمهور می‌ایستند. تنها از سال ۲۰۰۵ این امر برای مردم مصر امکان‌پذیر شد تا در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کنند که چندین کاندیدا حضور داشتند.



در مجموع می‌توان گفت انتخاب جمال مبارک می‌تواند در میان گزینه‌های موجود بهترین گزینه باشد، البته نه به عنوان اینکه وی یک رهبر بهتر، مصلح اقتصادی یا یک دموکرات واقعی است بلکه به خاطر غیرنظامی بودنش، احتمال موفقیت اپوزیسیون و احتمال تشکیل یک حکومت دموکراتیک در آینده افزایش می‌یابد.» فارین پالیسی در حالی این تحلیل را منتشر کرده که گروه‌های حامی البرادعی و صدحاتن از مردم مصر در اعتراض به روند موروثی انتقال قدرت از رئیس‌جمهور این کشور به پسرش در مرکز قاهره بارها تظاهرات برگزار کرده‌اند. چندی پیش گروهی از فعالان کمپین تبعیض‌آمیز «جمال مبارک» نامزد احتمالی انتخابات ریاست‌جمهوری مصر با حمایت نیروهای پلیس اقدام به تخریب چادرهای نصب‌شده در مکان گردهمایی هواداران «محمد البرادعی» رئیس «جمعیت ملی تغییر» کردند. تجمع هواداران البرادعی «مدیرکل سابق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در یکی از مناطق استان شرقی این کشور پس از خرابکاری گروهی از حامیان «جمال مبارک» پسر رئیس‌جمهوری مصر به آشوب و درگیری میان دو طرف انجامید. این اقدام هواداران جمال مبارک باعث خشم و عصبانیت حامیان البرادعی و مردم منطقه شد و هنگامی که نیروهای پلیس از برگزاری راهپیمایی مسالمت‌آمیز اما اعتراضی مردم جلوگیری کردند، این راهپیمایی به درگیری و آشوب میان هواداران دو نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری کشیده شد. هواداران البرادعی در حاشیه این گردهمایی شعارهای خود به زبان عربی و فرانسه‌های اصلاح‌طلبانه البرادعی سر دادند و مخالفت شدید خود را با موروثی شدن نظام مصر اعلام کردند. با توجه به نزدیک شدن به انتخابات پارلمانی ماه نوامبر میلادی و سپس انتخابات ریاست‌جمهوری در مصر احتمال افزایش این برخوردها میان هواداران البرادعی و جمال مبارک بیشتر شده است. البرادعی پیش از این علت سرکوب راهپیمایی‌های گروه‌های حامی خود و دستگیری تعدادی از فعالان کمپین یک میلیون امضای جمعیت ملی تغییر را نشانه ترس و هراس حزب حاکم مصر از آگاهی مردم دانسته بود. جمعی می‌تواند تغییر چندی پیش با انتشار بیانیه‌ای از احزاب سیاسی مصر خواست انتخابات پارلمانی مصر را تحریم کنند که به‌رغم موافقت چپ حزب، از جمله حزب «الده» به ریاست «ایمن نور» با مخالفت دیگر احزاب اصلی اپوزیسیون از جمله گروه «خوان المسلمین» و حزب «الوفا» و دیگر تشکل‌های مخالف حزب حاکم مواجه شد.